

صلاحیت دیوان دآوری در دعوای نفتی یوکاس علیه روسیه

محمدعلی بهمنی^{۱*}، محسن برهانی^۲

۱. استادیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۱۹ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۸/۲)

چکیده

به سال ۲۰۰۵ میلادی، اکثریت سهامداران شرکت نفتی یوکاس با شروع سه جریان دآوری موردی علیه دولت روسیه، بر مبنای معاهده منشور انرژی، مدعی شدند دولت روسیه در حق آنان رفتار عادلانه و منصفانه را رعایت نکرده و دارایی‌های آن‌ها را مصادره کرده است و باید خسارت وارده را جبران کند. با توافق خواهان‌ها، هر سه پرونده در یک دیوان دآوری مطرح و با توجه به مشترکات آن‌ها تحت جریان دادرسی واحد بررسی شد. دولت روسیه در واکنش به دعوای سهامداران شرکت یوکاس، با طرح مجموعه‌ای از ایرادات، مدعی شد دیوان دآوری آنسیترال صلاحیت رسیدگی به ادعای خواهان‌ها را ندارد. دیوان دآوری، به‌رغم ایرادات روسیه، به تاریخ ۳۰ نوامبر ۲۰۰۹، با صدور رأی مقدماتی، صلاحیت خود را احراز کرد. سپس، به تاریخ ۱۸ جولای ۲۰۱۴، رأی نهایی خود را، که از آن به بزرگ‌ترین رأی تاریخ دآوری یاد می‌شود، صادر و به‌موجب آن دولت روسیه را به پرداخت مبلغی بالغ بر پنجاه میلیارد دلار در حق سهامداران شرکت نفتی یوکاس محکوم کرد. دیوان دآوری یوکاس طی رأی صلاحیتی خود به تجزیه و تحلیل برخی از مقررات مهم مربوط به حوزه حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری پرداخت که اهمیت موشکافی رأی صلاحیتی را دوچندان کرد. این‌رو، در این مقاله به بررسی تحلیلی ایرادات دولت روسیه در زمینه صلاحیت دیوان دآوری پرداخته شد تا بهتر بتوان اعتبار و درستی سنگین‌ترین رأی تاریخ دآوری را ارزیابی کرد.

کلیدواژگان

دآوری، رأی، صلاحیت، معاهده منشور انرژی، یوکاس.

مقدمه

رأی داوری صادره در دعوی شرکت نفتی یوکاس علیه دولت روسیه بدون تردید نقطه عطفی در نظام حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری به‌شمار می‌رود. تاریخ حل و فصل اختلافات به یاد ندارد خواننده‌ای تاکنون به پرداخت مبلغی بالغ بر پنجاه میلیارد دلار محکوم شده باشد. رأی داوری یوکاس از این حیث رکوردی به نام خود ثبت کرد. در چارچوب این رأی، که به تاریخ ۱۸ جولای ۲۰۱۴ صادر شد، دولت روسیه به پرداخت مبلغ پنجاه میلیارد دلار به‌اضافه هزینه‌های داوری و حق‌الوکاله وکیل در حق سهامداران عمده یوکاس محکوم شد.

ماجرای یوکاس به دهه ۱۹۹۰ میلادی برمی‌گردد؛ آن‌گاه که این شرکت در سال ۱۹۹۳ به دستور رئیس‌جمهور وقت روسیه در قالب یک شرکت سهامی تشکیل و سپس در سال‌های ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶ به بخش خصوصی واگذار شد. این شرکت، همراه تعدادی شرکت زیرمجموعه، فعالیت خود را به استخراج، تولید، پالایش، بازاریابی، و توزیع نفت خام و گاز طبیعی و فرآورده‌های نفتی اختصاص داده بود. در سال ۲۰۰۲ یوکاس در فهرست ده شرکت بزرگ نفتی جهان قرار گرفت (Yukos Interim awards 2009: para 250). بنابر ادعای سهامداران یوکاس، زمانی که یوکاس در حال مذاکره جهت ادغام با شرکت‌های اگزان موبیل و شورون بود، دولت روسیه به تعقیب کیفری مدیران ارشد یوکاس مبادرت ورزید و مدعی شد که این شرکت و مدیران آن مرتکب جرایم متعدد، نظیر اختلاس و کلاهبرداری و جعل و فرار مالیاتی، شده‌اند. از دیگر اقدامات دولت روسیه، که اعتراض سهامداران را برانگیخت، ارزیابی مجدد مالیاتی یوکاس و تحمیل مالیات اضافی، توقیف اموال یوکاس، ابطال ادغام یوکاس با سیب نفت، و اجبار به فروش یوگانز نفت گاز به‌عنوان ارزشمندترین دارایی یوکاس بود؛ اقداماتی که نهایتاً به ورشکستگی و انحلال یوکاس انجامید. اموال آن شرکت نیز در مزایده به شرکت‌های دولتی روسنت و گاز پروم فروخته شد (Yukos Final awards 2014: para 993-999). سرانجام سهامداران عمده یوکاس، شامل شرکت‌های هالی انترپرایز لیمیتد^۱ و یوکاس یونیورسال لیمیتد^۲ و وتران پترولیوم^۳، که در مجموع مالک ۷۰ درصد

1. Hulley Enterprises Limited
2. Yukos Universal Limited
3. Veteran Petroleum

سهام يوكاس پيش از ورشكستگى و انحلال محسوب مى شدند، در واكنش به اقدامات دولت روسيه، در سال ۲۰۰۵، داورى موردى را عليه اين كشور در چارچوب ماده ۲۶ معاهده منشور انرژى، به موجب قواعد داورى آنسيترال و تحت نظارت ديوان دائمى داورى، آغاز كردند. سهامداران مزبور مدعى شده بودند كه دولت روسيه با سرمايه گذارى آنها رفتارى عادلانه و منصفانه نداشته و اموال و دارايى آنها را مصادره کرده است و اين اقدامات ناقض بند ۱ ماده ۱۰ و ماده ۱۳ معاهده منشور انرژى به شمار مى رود. در واكنش به شروع روند داورى، دولت روسيه ايرادات مهمى را دايبر بر عدم صلاحيت ديوان و عدم قابليت استماع ادعاهای سهامداران يوكاس مطرح كرد. اولين ايراد روسيه ناظر به صلاحيت زمانى ديوان بود. در واقع، چالش مهم ديوان يوكاس در مرحله رسيدگى صلاحيتى موضوع اجراى موقت معاهده منشور انرژى توسط روسيه و ميزان پايبندي اين دولت به مقررات معاهده در طول مدت زمان اجراى موقت بود. روسيه مدعى بود، نظر به اينكه معاهده منشور انرژى توسط مجلس اين كشور تصويب نشده و در نتيجه رضايت به داورى بين المللى به موجب معاهده بين المللى تصويب شده اى ابراز نشده است، ديوان داورى صلاحيت رسيدگى به دعواى سهامداران يوكاس را ندارد. علاوه بر صلاحيت زمانى، روسيه صلاحيت شخصى و موضوعى ديوان را نيز زير سؤال برد و بر اين باور بود كه سه شركت خواهان و همچنين سرمايه گذارى انجام شده توسط آنها، به موجب بندهاى ۶ و ۷ ماده ۱ معاهده منشور انرژى، مشمول حمايت اين معاهده نيست. روسيه ايرادات ديگرى را نيز درباره بند ۱ ماده ۲۱ معاهده منشور انرژى درباره اقدامات مالياتى، شرط انتخاب غير قابل بازگشت، انكار بهره مندى از مزايای، و همچنين دستان آلوده مطرح ساخت. اگرچه ديوان داورى، به رغم ايرادات صلاحيتى روسيه، صلاحيت خود را در سال ۲۰۰۹ براى رسيدگى به دعواى سهامداران يوكاس احراز كرد، تحليل ايرادات روسيه نشان خواهد داد كه آيا ديوان داورى صادركننده سنگين ترين رأى تاريخ داورى به درستي صلاحيت خود را در اين دعوا احراز کرده است يا خير. در اين مقاله، مجموع ايرادات دولت روسيه به صلاحيت ديوان به ترتيب تحت عنوان ايراد صلاحيت زمانى، ايراد صلاحيت شخصى، ايراد صلاحيت موضوعى، و ساير ايرادات بررسى خواهد شد.

ایراد صلاحیت زمانی دیوان

معاهده منشور انرژی در تاریخ ۱۷ دسامبر ۱۹۹۴ امضا و در تاریخ ۱۶ آوریل ۱۹۹۸ لازم‌الاجرا شد. بند ۱ ماده ۴۵ مقرر می‌دارد هر امضاکننده‌ای موافقت می‌کند این معاهده را تا لازم‌الاجرا شدن آن برای چنین امضاکننده‌ای، طبق ماده ۴۴، به‌طور موقت اجرا کند، تا آنجا که این اجرای موقت مغایر با قانون اساسی و قوانین یا مقررات آن کشور نباشد. دولت روسیه ادعا کرد اجرای موقت معاهده منشور انرژی مغایر قانون اساسی و قوانین موضوعه کشور روسیه است و طبق بند ۱ ماده ۴۵ قابلیت اجرا در آن کشور را ندارد (Yukos Interim awards 2009: para 250). دیوان در آغاز بررسی کرد که آیا مطابق بند ۱ ماده ۴۵ دولت روسیه باید کل معاهده را اجرا کند یا اینکه اجازه دارد فقط بخشی از معاهده را اجرا کند و اجرای بخشی دیگر را به‌دلیل مغایرت با قوانین و مقررات داخلی خود به زمان لازم‌الاجرا شدن موکول کند. دیوان پس از تفسیر مقررده پیش‌گفته حکم داد که متن بند ۱ ماده ۴۵ مستلزم این است که دولت روسیه یا باید کل معاهده را بپذیرد یا به‌دلیل عدم‌شناسایی نهاد اجرای موقت در قوانین و مقررات داخلی خود کل معاهده را به‌صورت موقت اجرا نکند (Yukos Interim awards 2009: para 311). در واقع، دیوان بر این باور بود که کشورها نمی‌توانند بخشی از معاهده را اجرا و اجرای بخش دیگر را رد کنند. از نظر دیوان، دولت روسیه با امضای معاهده منشور انرژی موافقت کرده است که کل معاهده را موقتاً، تا زمان لازم‌الاجرا شدن معاهده، اجرا کند؛ مگر اینکه اجرای موقت آن فی‌نفسه مغایر قانون اساسی و سایر قوانین داخلی روسیه باشد. دیوان استدلال کرد، براساس اصل وفای به عهد، به دولت‌ها اجازه داده نمی‌شود به قوانین و مقررات داخلی خود به‌عنوان عذری برای انجام ندادن تعهدات بین‌المللی خویش توسل جویند (Yukos Interim awards 2009: para 313). دیوان همچنین اضافه کرد چنانچه به دولتی این اختیار داده شود که تعهدات مربوط به اجرای موقت معاهده را در صورت مغایرت با قوانین داخلی خود نادیده بگیرد، به اصل اجرای موقت یک معاهده، که باعث ایجاد تعهدات الزام‌آور برای کشور امضاکننده می‌شود، خلل وارد می‌آید (Yukos Interim awards 2009: para 314). باید گفت این استدلال یکپارچگی حقوق بین‌الملل را، به‌عنوان جزئی مستقل از حقوق داخلی، تقویت می‌کند و مانع از آن می‌شود که قوانین و مقررات داخلی یک کشور تعهدات

بین‌المللی آن را تحت کنترل خود درآورد. بر این اساس، دیوان یوکاس با تعمق در قوانین و مقررات داخلی روسیه، به‌ویژه قانون معاهدات بین‌المللی این کشور، اعلام کرد اجرای موقت معاهده فی‌نفسه تعارضی با قوانین و مقررات روسیه ندارد و معاهده تا تاریخ ۱۹ اکتبر ۲۰۰۹ در کشور روسیه به‌طور موقت قابل اجرا بوده و فصل‌های سوم و پنجم آن، از جمله ماده ۲۶، درخصوص هر سرمایه‌گذار، که پیش از آن تاریخ در آن کشور سرمایه‌گذاری کرده است، لازم‌الاجراست (Yukos Interim awards 2009: para 395).

مطالب پیش‌گفته حکایت از آن دارد که به‌راستی مفاد بند ۱ ماده ۴۵ معاهده منشور انرژی ابهام دارد. چون مشخص نیست هدف از عبارت «تا آنجا که این اجرای موقت مغایر با قانون اساسی و قوانین و مقررات آن کشور نباشد» عدم‌مغایرت موردی هر یک از مواد معاهده منشور انرژی با قوانین و مقررات دولت امضاکننده است یا عدم‌شناسایی نهاد اجرای موقت در نظام حقوقی هر یک از کشورهای امضاکننده. در صورت نخست، یکایک مواد معاهده باید با قوانین و مقررات کشور امضاکننده معاهده سازگار و هماهنگ باشد و در صورتی که هر یک از مقررات معاهده مغایر قانون اساسی و سایر قوانین و مقررات کشور امضاکننده باشد، دولت امضاکننده معاهده متعهد به اجرای موقت چنین مقرره‌ای نیست، لیکن متعهد به اجرای سایر مقررات معاهده، به‌رغم عدم طی مراحل تصویب در کشور خود، است. در صورت دوم، همین که نهاد اجرای موقت، یعنی اجرای معاهده بدون تصویب مراجع قانون‌گذاری کشور امضاکننده، در قوانین و مقررات آن کشور شناسایی شده باشد، دولت امضاکننده متعهد به اجرای کلیه مفاد معاهده است. به همین ترتیب، چنانچه نهاد اجرای موقت در قانون داخلی کشوری پذیرفته نشده باشد، چنین کشوری از اجرای کلیه مقررات معاهده تا زمان لازم‌الاجرا شدن آن معاف می‌شود. طرفداران نظریه دوم، یعنی نظریه مبتنی بر لزوم عدم‌مغایرت کلی نهاد اجرای موقت با قوانین و مقررات کشور امضاکننده معاهده، همانند دیوان داوری یوکاس، با توجه به مفاد کنوانسیون وین درباره حقوق معاهدات (کنوانسیون وین) به اصل لزوم اجرای معاهدات و اصل تفوق مفاد معاهده بر قوانین و مقررات داخلی دولت امضاکننده معاهده استناد می‌کنند (Niebruegge 2007: 369). این اصول در قانون اساسی روسیه نیز تصریح شده است (ماده ۱۵). در مقابل، طرفداران نظریه نخست، یعنی نظریه لزوم عدم‌مغایرت

مورد به مورد مفاد معاهده با قوانین و مقررات دولت امضاکننده، وفق بند ۱ ماده ۴۵ معاهده، بر آنند که اصل لزوم اجرای معاهدات، که در ماده ۲۶ کنوانسیون وین پیش‌بینی شده و جزئی از حقوق بین‌الملل عرفی است، در ارتباط با نهاد اجرای موقت معاهده کارایی ندارد. زیرا این اصل در خصوص معاهداتی که مراحل تصویب را گذرانده و لازم‌الاجرا شده‌اند جاری و ساری است و در خصوص اجرای موقت معاهده قابل اعمال نیست. همچنین، از منظر این عده، اصل برتری و تفوق مقررات معاهدات بر قوانین و مقررات داخلی کشور میزبان نیز در رابطه با نهاد اجرای موقت مذکور در ماده ۴۵ معاهده قابل اعمال نیست. زیرا این اصل زمانی اجرا می‌شود که چارجوب تعهدات دولت امضاکننده شفاف و مشخص باشد. اما، در این پرونده، موضوع اختلاف چارجوب تعهدات روسیه و میزان پایبندی آن به مفاد معاهده منشور انرژی متعاقب پذیرش اجرای موقت آن است و بنابراین اصل مذکور در این اختلاف کاربرد ندارد (Dolzer 2015: 16).

به نظر می‌رسد چنانچه هدف از شرط محدودکننده مندرج در بند ۱ ماده ۴۵ عدم اجرای موقت کل معاهده و نه بخش‌هایی از آن به دلیل مغایرت با قوانین و مقررات کشور امضاکننده معاهده باشد، این امکان به موجب بند ۲ ماده ۴۵ معاهده برای امضاکننده فراهم شده است، که اگر غیر از این بود دیگر نیازی به پیش‌بینی این شرط محدودکننده در بند ۱ وجود نداشت. همان‌طور که دیوان به درستی در رأی خود اشاره کرده است، بندهای ۱ و ۲ ماده ۴۵ مستقل از یکدیگرند (Yukos Interim awards 2009: para 262) و اگر امضاکننده‌ای خواستار آن باشد تا معاهده را کلاً به صورت موقت اجرا نکند، می‌تواند از اختیار پیش‌بینی شده در بند ۲ استفاده و با تودیع اعلامیه‌ای نزد امین معاهده انصراف خود را از اجرای موقت معاهده اعلام کند. لیکن، بند ۱ ماده ۴۵ معاهده این امکان را برای امضاکننده فراهم کرده است تا معاهده را تا آنجا که مفاد آن، مورد به مورد، مغایر با قوانین و مقررات کشور متبوع خود نباشد، تا زمان طی تشریفات تصویب نهایی معاهده، به موجب قوانین خود، به صورت موقت اجرا کند.

در همین زمینه، دادگاه ناحیه‌ای لاهه، به‌عنوان دادگاه مقر داوری، پیرو اعتراض دولت روسیه به آرای صلاحیتی و نهایی صادره توسط دیوان یوکاس، به موجب رأی مورخ ۲۰ آوریل ۲۰۱۶ خود، آرای مذکور را ابطال کرده است. مهم‌ترین موارد اعتراض دولت روسیه به این آرا عبارت بودند از

عدم صلاحیت دیوان داوری به دلیل فقدان موافقت‌نامه داوری معتبر بین طرفین اختلاف، عدول دیوان داوری از مأموریت و دستورکار سپرده‌شده به آن دیوان، مستدل و مستند نبودن آرای داوری در موضوعات مهم مطروحه در آرا، و مغایرت آرای صادره با نظم عمومی کشور هلند. دادگاه ناحیه‌ای لاهه در جریان بررسی یکی از اعتراض‌های دولت روسیه در خصوص عدم رضایت به داوری به دلیل مغایرت ماده ۲۶ معاهده منشور انرژی با قوانین و مقررات روسیه و عدم قابلیت اجرای آن توسط روسیه، به استناد بند ۱ ماده ۴۵ معاهده، درصدد پاسخگویی به دو سؤال برآمد؛ اولاً آیا دولت روسیه مطابق ماده ۴۵ معاهده منشور انرژی مکلف به اجرای موقت معاهده بوده است؟ ثانیاً آیا شرط داوری مندرج در ماده ۲۶ معاهده با قوانین روسیه مطابقت دارد؟ دادگاه در پاسخ به سؤال نخست برخلاف نظر دیوان داوری اعلام کرد بند ۱ ماده ۴۵، درباره اجرای موقت مقررات معاهده، در صورتی توسط کشور امضاکننده معاهده قابلیت اجرا دارد که مقررات معاهده حسب مورد مغایر قوانین داخلی دولت متعاقد نباشد و چنین نیست که با امضای معاهده توسط دولت‌ها چنین دولتی مکلف باشد کل معاهده را به‌طور موقت اجرا یا کل آن را به دلیل عدم شناسایی نهاد اجرای موقت در قوانین داخلی خود رد کند. دادگاه برای اتخاذ این تصمیم با استناد به ماده ۳۱ کنوانسیون وین ابراز کرد از سیاق عبارت بند ۱ ماده ۴۵ معاهده منشور انرژی چنین برداشت می‌شود که دولت عضو معاهده می‌تواند حسب مورد برخی از مقررات معاهده را، که مغایر قوانین و مقررات داخلی آن کشور است، اجرا نکند (The Hague Court Award 2016: paras 5.9, 5.18). با توجه به این تفسیر از بند ۱ ماده ۴۵، دادگاه در پاسخ به سؤال دوم مقرر کرد که ماده ۲۶ معاهده مربوط به حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری مغایر قوانین روسیه است. دادگاه حکم داد که قوانین روسیه داوری بین‌المللی را به‌عنوان شیوه حل و فصل اختلافات صرفاً برای حل اختلافات با ماهیت حقوق خصوصی برگزیده است و اختلافات بین دولت روسیه و سرمایه‌گذاران خارجی، که دارای ماهیت حقوق عمومی هستند (همانند اختلافات مالیاتی مطروحه در پرونده یوکاس)، قابل ارجاع به داوری نیستند (The Hague Court Award 2016: para 5.23-5.65). دادگاه همچنین ابراز داشت معاهدات بین‌المللی، نظیر معاهده منشور انرژی، که حاوی مکانیسم حل و فصل اختلافات بین روسیه و سرمایه‌گذاران خارجی از طریق داوری‌اند و توسط قوه مقننه

کشور امضاکننده (دومای روسیه) تصویب نشده‌اند، نمی‌توانند بر قوانین داخلی ارجحیت داشته باشند. زیرا در غیر این صورت مغایر اصل تفکیک قوای پیش‌بینی‌شده در قانون اساسی روسیه است (The Hague Court Award 2016: para 5.73). بنابراین، دادگاه رأی داد روسیه هیچ‌گاه رضایت بی‌قیدوشرط خود را به داوری به‌موجب ماده ۲۶ معاهده اعلام نکرده و اعلامیه صادره توسط سهامداران یوکاس مبنی بر اعلام رضایت به داوری منجر به انعقاد موافقت‌نامه داوری نشده است. بر این اساس، دادگاه آرای صادره توسط دیوان داوری را به دلیل عدم صلاحیت دیوان ابطال کرد. از آنجا که دادگاه رأی به عدم صلاحیت زمانی دیوان داوری داد، به سایر اعتراضات مطروحه دولت روسیه در دادگاه رسیدگی نشد (Th Hgue Court Award 2016: para5.95, 5.96).

باید گفت که دادگاه به این نکته توجه نکرده که موضوع اختلاف بین سهامداران یوکاس و دولت روسیه اقدامات مالیاتی دولت روسیه نبوده، بلکه سهامداران یوکاس خسارات وارده به خود، مانند کاهش ارزش سهام و دارایی‌هایشان، را، که در لوای اجرای قوانین مالیاتی توسط دولت روسیه صورت گرفته بود، مطالبه کرده‌اند. در نتیجه، مبنای اختلاف خواهان‌ها و دولت روسیه نقض معاهده مزبور و مطالبه خسارات وارده به خود بوده است نه حل و فصل اختلافات مالیاتی که دارای ماهیت حقوق عمومی باشد. همچنین، باید افزود قوانین و مقررات روسیه، مانند ماده ۹ مقررات سرمایه‌گذاری خارجی^۱، مصوب ۱۹۹۱، و ماده ۱۰ نسخه اصلاح‌شده همان قانون، در سال ۱۹۹۹، امکان ارجاع اختلاف بین سرمایه‌گذار و دولت را به داوری پذیرفته است. در مفاد معاهده‌های دوجانبه دولت روسیه با سایر کشورها نیز حل اختلافات سرمایه‌گذاری از طریق داوری پذیرفته شده است. تصویب آن معاهده‌ها توسط دومای روسیه به این دلیل است که شامل مقرراتی درخصوص اجرای موقت معاهده قبل از تصویب توسط نهاد قانون‌گذاری نیستند. بنابراین، رضایت دولت روسیه به داوری با امضای معاهده منشور انرژی حاصل شده به‌نظر می‌رسد. به‌هرحال، در پی اعتراض اکثریت سهامداران یوکاس به تصمیم دادگاه ناحیه‌ای لاهه قرار است دادگاه تجدیدنظر شهر لاهه در این خصوص تصمیم‌گیری کند و تا آن زمان باید درخصوص سرنوشت ایراد روسیه به صلاحیت زمانی دیوان یوکاس به‌انتظار نشست.

ایراد صلاحیت شخصی دیوان

دیوان پس از احراز صلاحیت زمانی خود سراغ بررسی صلاحیت شخصی خود رفت. مطابق بند ۱ ماده ۲۶ اختلافات بین دولت عضو و سرمایه‌گذار از دولت عضو دیگری که راجع به سرمایه‌گذاری در قلمرو دولت عضو و ناشی از نقض تعهدات دولت براساس فصل سوم معاهده باشد توسط مراجع پیش‌بینی شده در ماده ۲۶ حل و فصل می‌شود. در همین زمینه دولت روسیه اظهار کرد خواهان‌های دعوای مطابق بند ۷ ماده ۱ معاهده منشور انرژی سرمایه‌گذاران دولت متعاهد دیگر نیستند تا مشمول حمایت‌های معاهده مزبور قرار گیرند. خواننده به اصل قانون خاص^۱ به‌عنوان یکی از اصول حقوق بین‌الملل اشاره کرد که باید در تفسیر ماده مزبور لحاظ شود. مطابق این اصل، در بررسی مفهوم سرمایه‌گذار مورد حمایت معاهده باید بررسی‌هایی فراتر از ظاهر محل تشکیل رسمی شرکت صورت پذیرد تا مشخص شود که آیا خواهان‌ها صلاحیت این را دارند که سرمایه‌گذار مورد نظر بند ۷ ماده ۱ تلقی شوند یا خیر. بر این اساس، خواننده اظهار کرد خواهان‌ها همگی به وسیله اتباع دولت روسیه اداره می‌شوند و در کشور روسیه نیز فعالیت می‌کنند. همچنین، دولت روسیه در توجیه نظر خود به برخی دیگر از مقررات حقوق بین‌الملل، از جمله ماده ۹ طرح حمایت دیپلماتیک کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد، توسل جست تا نشان دهد خواهان‌ها شرکت‌هایی صوری‌اند که توسط اتباع روسیه اداره می‌شوند و مرکز اصلی فعالیت آن‌ها نیز روسیه است. بنابراین، واجد شرایط سرمایه‌گذار مورد نظر معاهده نیستند (Yukos Interim awards 2009: para 406-407).

مطابق بند ۷ ماده ۱ معاهده منشور انرژی، سرمایه‌گذار خارجی عبارت است از شخص حقیقی که تابعیت یا اقامت دائم کشور عضو معاهده را دارد و همچنین یک شرکت یا سازمان که وفق قانون طرف متعاهد تشکیل شده است. مطابق این تعریف، تابعیت یک شخص حقیقی سرمایه‌گذار براساس قوانین مربوط به تابعیت و اقامتگاه در کشور عضو تعیین می‌شود. همچنین، تابعیت شخص حقوقی سرمایه‌گذار نیز مطابق قوانین و مقررات حاکم در کشور عضو معاهده، که شخص حقوقی در آن تشکیل و سازمان‌دهی شده است، مشخص می‌شود. یکی از خواهان‌های دعوای

1. lex specialist

یوکاس شرکت یوکاس یونیورسال لیمیتد بود که در سال ۱۹۹۷ در جزیره مان، با نام کرفد لیمیتد، تشکیل شده و در سال ۱۹۹۸ تغییر نام داده بود. اداره ثبت و کمیسیون نظارت مالی آن جزیره تأیید کرد که شرکت مذکور وفق قوانین و مقررات جزیره مان ثبت و ایجاد شده است. دولت انگلیس به سال ۱۹۹۴ معاهده منشور انرژی را امضا و در سال ۱۹۹۷ آن را تصویب کرد و این تصویب را به جزیره مان، که جزء قلمرو سلطنتی انگلیس است، تسری داد. دو خواهان دیگر، یعنی شرکت‌های هالی انترپرایز لیمیتد و وتران پترولیوم لیمیتد، نیز براساس قوانین کشور قبرس ایجاد و ثبت شده بودند. قبرس سال ۱۹۹۴ معاهده را امضا کرد و در سال ۱۹۹۸، ضمن تصویب معاهده، اسناد آن را به امین معاهده منشور انرژی سپرد. با انجام گرفتن این فرایند، معاهده منشور انرژی از ۱۶ ژانویه ۱۹۹۸ برای کشور قبرس لازم‌الاجرا شده بود.

دیوان داوری یوکاس در تصمیم خود ابراز کرد، مطابق ماده ۳۱ کنوانسیون وین، معاهده در وهله نخست باید در معنای رایج و متداول خود تفسیر شود. تأمل در بند ۷ ماده ۱ معاهده منشور انرژی در خصوص شخص حقوقی سرمایه‌گذار این نکته را روشن می‌سازد که این معاهده، غیر از اینکه یک شرکت باید مطابق قوانین و مقررات حاکم در کشور طرف متعاقد تشکیل شده باشد، معیار دیگری را برای تابعیت شخص حقوقی پیش‌بینی نکرده است. بنابراین دیوان رأی دادخواهان‌ها به درستی تحت قوانین جزایر مان و قبرس تشکیل شده‌اند و در مقام سرمایه‌گذار مشمول معاهده به‌شمار می‌آیند (Yukos Interim awards 2009: para 415-417).

هرچند همان‌گونه که دولت روسیه اشاره کرده است برخی مقررات و اصول حقوق بین‌الملل حسب مورد شاخص‌هایی گوناگون جهت تعیین تابعیت اشخاص حقوقی ارائه کرده‌اند، در پرونده پیش رو قانون حاکم معاهده منشور انرژی است که دیوان داوری نیز براساس آن تشکیل شده است و در آن معیار احراز سرمایه‌گذار واجد شرایط به صورت شفاف بیان شده است. به سایر منابع، نظیر اصول کلی حقوق بین‌الملل و قوانین روسیه، باید زمانی استناد شود که مفاد معاهده مبهم و مجمل باشد یا همانند شرط محدودیت مندرج در بند ۱ ماده ۴۵ خود معاهده چنین مقرر کرده باشد. دیوان‌های داوری سرمایه‌گذاری پیشین نیز در جریان رسیدگی به صلاحیت شخصی خود، همانند دیوان یوکاس، به درستی در آرای خود به تعریفی که از سرمایه‌گذار در معاهده

سرمایه‌گذاری مربوطه تصریح شده است اکتفا کرده و بررسی‌های بیشتری را جهت احراز تابعیت سرمایه‌گذار تحت شمول معاهده سرمایه‌گذاری لازم ندانسته‌اند. مثلاً، در پرونده پلاما دیوان اعلام کرد برای اینکه یک شرکت به‌عنوان سرمایه‌گذار تحت حمایت معاهده منشور انرژی شناخته شود، مطابق ماده (۷) ۱ معاهده، کافی است وفق قوانین و مقررات حاکم در قبرس سازمان‌دهی شده باشد؛ صرف‌نظر از اینکه چه کسانی مالک یا کنترل‌کننده سهام آن شرکت‌اند (Yukos Interim awards 2009: para 416).

ایراد صلاحیت موضوعی دیوان

ایراد سومی که دولت روسیه به صلاحیت دیوان داوری وارد کرد به صلاحیت موضوعی دیوان یوکاس بازمی‌گردد. این دولت مدعی بود سهامداران یوکاس سرمایه‌گذاری مورد حمایت معاهده منشور انرژی را انجام نداده‌اند تا بتوانند مورد حمایت این معاهده قرار گیرند. مطابق بند ۶ ماده ۱، سرمایه عبارت است از هر نوع دارایی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم تحت مالکیت یا کنترل سرمایه‌گذار قرار دارد؛ از قبیل اموال ملموس، ناملموس، منقول، غیرمنقول، هر گونه حقوق مالکیت از قبیل اجاره و رهن، شرکت یا بنگاه تجاری، سهام و سهم‌الشرکه. این سرمایه‌گذاری صرفاً باید در بخش انرژی انجام شود و فعالیت‌هایی مانند اکتشاف، استخراج، پالایش، تولید، ذخیره‌سازی، حمل‌ونقل و توزیع، بازاریابی و فروش محصولات و فرآورده‌ها را نیز دربرمی‌گیرد. با این تعریف از سرمایه‌گذاری، خیل عظیمی از فعالیت‌های اقتصادی مشمول تعریف سرمایه‌گذاری در معاهده منشور انرژی قرار می‌گیرند (Bamberger et al 2000: 4).

در پرونده یوکاس، نظر روسیه این بود که زمانی که مقرراتی درخصوص نوع و خصوصیت سرمایه‌گذاری وجود ندارد، باید به اصول کلی حقوق بین‌الملل رجوع شود. دولت روسیه ابراز کرد این اصول به‌منظور تشخیص و تعیین ماهیت و ملیت اختلاف، در تعارض بین مالکیت ظاهری و ثبت‌شده و مالکیت واقعی و حقیقی، اولویت را به مالکیت واقعی و حقیقی می‌دهند و درخصوص دعوای حاضر نیز از آنجا که مدیران ارشد یوکاس، یعنی آقایان خودورکوفسکی و لبدوف، اذعان کرده‌اند مالک واقعی و حقیقی شرکت یوکاس و دارایی‌های آن شرکت‌اند، خواهان‌ها نمی‌توانند مالک حقیقی سهام شرکت یوکاس تلقی شوند و حق اقامه دعوا ندارند (Yukos Interim awards

421 para: 2009). همچنین، خواننده بر این باور بود که مالکیت اسمی سهام یوکاس از سوی خواهان‌ها سرمایه‌گذاری تلقی نمی‌شود. زیرا با خرید سهام و مالکیت بر سهام یوکاس هیچ‌گونه سرمایه‌ خارجی به کشور روسیه وارد نشده است و مطابق قوانین و مقررات روسیه سرمایه‌گذاری خارجی باید از طریق وارد کردن سرمایه با منشأ خارجی صورت پذیرد. بنابراین، مقررات بند ۶ ماده ۱ درخصوص تعریف سرمایه‌گذاری با قوانین روسیه در تعارض است و طبق شرط محدودیت بند ۱ ماده ۴۵ معاهده منشور انرژی قابلیت اعمال موقت ندارد (Yukos Interim awards 2009: para 422). دیوان رأی داد که اولاً مقررات معاهده به هر گونه سرمایه‌گذاری که به صورت اسمی به وسیله یک سرمایه‌گذار خارجی اداره شود و تحت مالکیت وی باشد تسری دارد و جزء بند ۶ ماده ۱ صرفاً ناظر است به مالکیت، صرف‌نظر از اسمی یا واقعی بودن آن. طبق ماده ۳۱ کنوانسیون وین، در تفسیر، اولویت با متن سند مورد نظر بوده و معاهده صرفاً به مالکیت اشاره کرده است. ثانیاً، دیوان استدلال خواننده را، مبنی بر اینکه سرمایه‌گذاری مورد حمایت معاهده باید سرمایه‌گذاری با منشأ خارجی باشد، نپذیرفت. از منظر دیوان یوکاس تعریف سرمایه‌گذاری در بند ۶ ماده ۱ معاهده محدودیت یا مقررات اضافی درباره ضرورت منشأ خارجی سرمایه مقرر نکرده است (Yukos Interim awards 2009: para 430).

در پرونده پتروبارت، که به اختلافات قراردادی بین شرکت مذکور و قرقیزستان درخصوص قرارداد فروش گاز مربوط بود، دیوان، با استناد به بند ۶ ماده ۱ معاهده منشور انرژی، قرارداد فروش گاز را سرمایه‌گذاری توصیف کرد. این در حالی است که براساس حقوق سرمایه‌گذاری بین‌المللی و تعاریف ارائه‌شده از سوی دیوان‌های داوری و دکتترین قرارداد فروش سرمایه‌گذاری تلقی نمی‌شود (Gaillard & McNeill 2010: 42). هر چند اکتفا به تعریف سرمایه‌گذار و سرمایه‌گذاری، چنان که در بندهای ۶ و ۷ ماده ۱ معاهده پیش‌بینی شده، امکان سوءاستفاده سرمایه‌گذاران از معاهده را فراهم می‌کند، تا با تأسیس شرکت‌های صوری در کشورهای ثالث از حمایت‌ها و مزایای مندرج در معاهده بهره‌مند شوند، باید به قصد طرف‌های متعاقد در زمینه تعریف سرمایه‌گذار و سرمایه‌گذاری مورد حمایت معاهده منشور انرژی احترام گذاشت و مطابق ماده ۳۱ کنوانسیون وین معاهده را در معنای رایج و متداول آن تفسیر کرد. زیرا امضاکنندگان

معاهده، در زمان تدوین مفاد آن، این امکان را داشته‌اند که محدودیت‌هایی را جهت جلوگیری از این سوءاستفاده پیش‌بینی کنند و به‌رغم برخورداری از این آزادی عمل قلمرو شخصی و موضوعی معاهده را محدود نکرده‌اند.

سایر ایرادات ناظر به صلاحیت دیوان

دولت روسیه، علاوه بر ایرادات مربوط به صلاحیت زمانی و شخصی و موضوعی دیوان، ایرادات دیگری را در زمینه شرط انتخاب غیرقابل بازگشت و انکار بهره‌مندی مزایا و آلودگی دستان مدعی و اقدامات مالیاتی، وارد کرده بود. درخصوص دو ایراد آخر، دیوان، به دلیل نیاز به اطلاعات بیشتر درباره عملکرد یوکاس و همچنین بررسی دقیق‌تر حقایق پرونده، اظهارنظر را به رأی نهایی موکول کرد (Yukos Interim awards 2009: para 586 & 601) و در رأی نهایی، تحت عنوان ایرادات مقدماتی، به بررسی آن‌ها پرداخت. ایرادات یادشده در ادامه بررسی می‌شوند.

انتخاب غیرقابل بازگشت

برای جلوگیری از احتمال رسیدگی‌های موازی و صدور آرای متفاوت، در بسیاری از معاهده‌های دوجانبه و چندجانبه سرمایه‌گذاری این شرط گنجانیده شده است که هنگام بروز اختلاف بین سرمایه‌گذار و دولت میزبان سرمایه‌گذار در صورتی می‌تواند دعوای خود را در مرجع داوری توافق‌شده در آن معاهده اقامه کند که پیش‌تر در مراجع داخلی دولت میزبان به آن دعوا رسیدگی نشده باشد. به بیان دیگر، سرمایه‌گذار در اختلاف خود با دولت میزبان، باید بین مکانیسم حل و فصل اختلاف کشور میزبان و مرجع داوری پیش‌بینی‌شده در معاهده سرمایه‌گذاری ذی‌ربط یکی را برگزیند که از این مقرر به شرط «انتخاب غیرقابل بازگشت» نام برده می‌شود.^۱ معاهده منشور انرژی نیز شامل مقرراتی درخصوص انتخاب مرجع حل اختلاف است که سرمایه‌گذار خارجی را ملزم می‌کند دعوای خود را صرفاً در یک مرجع حل اختلاف مطرح کند. براساس قسمت نخست جزء ب بند ۳ ماده ۲۶ معاهده منشور انرژی، چنانچه سرمایه‌گذار پیش‌تر اختلاف خود را در دادگاه‌ها یا مراجع اداری طرف متعاقد یا مرجع حل اختلاف مورد توافق پیشین طرفین

1. Fork in the Road Clause

(سرمایه‌گذار و دولت میزبان) طرح کرده باشد، پس از آن نمی‌تواند دعوای خود را نزد دیوان داوری بین‌المللی اقامه کند. این نکته شایان ذکر است که این ماده صرفاً شامل کشورهایی است که نام آن‌ها در پیوست آی.دی. معاهده ذکر شده است و آن‌ها رضایت خود را به داوری بین‌المللی مشروط به این کرده‌اند که سرمایه‌گذار جهت حل و فصل دعوای خود سابقاً به مراجع داخلی آن‌ها مراجعه نکرده باشد. در دعوای یوکاس، دولت روسیه، که به پیوست آی.دی. پیوسته بود، استدلال کرد خواهان‌ها یا اشخاصی که خواهان‌ها را اداره می‌کنند یا تحت کنترل آن‌ها هستند، پیش از مراجعه به داوری، دعوای خود را در دادگاه‌های روسیه و دادگاه اروپایی حقوق بشر اقامه کرده‌اند. دیوان در تصمیم خود اعلام کرد استدلال‌های خوانده قانع‌کننده نیست. زیرا طرفین درگیر در دادگاه اروپایی حقوق بشر و دادگاه‌های روسیه و همچنین موضوعات مورد رسیدگی در آن مراجع متفاوت از دعوای مطروحه نزد دیوان است و معیار «تست سه‌گانه» مربوط به وحدت طرفین و وحدت سبب و وحدت موضوع تحقق‌نیافته است (Yukos Interim awards 2009: para 609).

دیوان در پرونده یوکاس در مواجهه با شرط انتخاب غیرقابل بازگشت، طرفین، موضوعات، و اسباب دعوای مطروحه قبلی در دادگاه‌های روسیه و دادگاه اروپایی حقوق بشر را بررسی کرد و با تطبیق آن‌ها با دعوای مطرح شده ایرادی را که دولت روسیه در زمینه شرط انتخاب غیرقابل بازگشت طرح کرده بود وارد تشخیص نداد. زیرا عمده دعوای مطروحه در دادگاه‌های روسیه توسط یوکاس (دعوای مطروحه در دیوان داوری مسکو، دیوان داوری منطقه‌ای فدرال مسکو، دادگاه قانون اساسی روسیه، دادگاه اروپایی حقوق بشر) و مدیران یوکاس در خصوص دستگیری و اتهامات مطرح شده علیه آن‌ها (دعوای رسیدگی شده در دادگاه اروپایی حقوق بشر) اقامه شده بودند و سهامداران یوکاس نقشی در آن دعوای نداشتند.

انکار بهره‌مندی مزایا

حمایت گسترده‌ای که به اشخاص حقوقی در بند ۷ ماده ۱ معاهده منشور انرژی ارائه شده به موجب بند ۱ ماده ۱۷ معاهده محدود شده است و به دولت میزبان این حق را می‌دهد که شرکت‌ها و مؤسساتی را که در یک کشور عضو معاهده تشکیل شده‌اند، اما، کنترل یا مالکیت آن‌ها در اختیار اتباع دولت‌های ثالث است و هیچ فعالیت تجاری چشمگیری در کشور محل تشکیل ندارند از

مزایای حمایتی معاهده محروم کند. ماده ۱۷، با عنوان «عدم اجرای بخش سوم در شرایط مشخص»، به انکار بهره‌مندی مزایا^۱ تعبیر شده است. این مقررات به کشورهای عضو معاهده این امکان را می‌دهد تا مانع از آن شوند که اتباع کشورهای غیرعضو با تشکیل شرکت‌های صوری در آن کشورها از مزایای معاهده منشور انرژی به‌طور غیرمستقیم بهره‌مند شوند. این اصل مفهومی جدید در حقوق بین‌الملل نیست و برگرفته از اصل عمل متقابل^۲ است که به منظور امتناع از اعطای حمایت دیپلماتیک به شرکت‌های دشمن استفاده می‌شود و بعدها در معاهده‌های مربوط به حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی گنجانده شد (Mistelis & Baltag 2009: 1301). هدف این اصل جلوگیری از تسری حمایت‌های سرمایه‌گذاری به شرکت‌هایی است که عملاً در کشوری فعالیت می‌کنند که متقابلاً چنین حمایتی را به اتباع کشورهای عضو معاهده، که در آن کشور سرمایه‌گذاری کرده‌اند، اعطا نمی‌کند (Mistelis & Baltag 2009: 1302). در پرونده یوکاس، دولت روسیه اظهار داشت مالکیت و کنترل اکثریت سهام خواهان‌ها در اختیار اتباع روسیه است و مطابق بند ۱ ماده ۱۷ معاهده روسیه حق دارد از اعطای مزایای فصل سوم معاهده به خواهان‌ها امتناع کند. روسیه مدعی شد سرمایه‌گذاری می‌تواند از مقررات فصل سوم معاهده بهره‌مند شود که از دولت میزبان تعهدنامه‌ای مبنی بر واجد شرایط دانستن سرمایه‌گذار جهت برقراری حمایت‌های فصل سوم معاهده منشور انرژی دریافت کرده باشد (Yukos Interim awards 2009: para 437). خواننده همچنین، در پاسخ به ادعای خواهان‌ها مبنی بر لزوم اعلام اجرای حق مندرج در بند ۱ ماده ۱۷ توسط دولت میزبان، تأکید کرد هم‌زمان با مذاکرات معاهده منشور انرژی موافقت‌نامه همکاری و مشارکت با اتحادیه اروپا امضا کرده است و در ماده ۳۰ آن مقرره‌ای مشابه بند ۱ ماده ۱۷ معاهده پیش‌بینی شده است و مطابق مفاد آن ماده شرکت‌هایی که در کشورهای عضو اتحادیه تشکیل و سازماندهی شده‌اند، لیکن، مرکز اصلی فعالیت و اداره آن‌ها خارج از آن کشورهاست و رابطه واقعی و دائمی با اقتصاد هیچ‌یک از کشورهای عضو اتحادیه ندارند از مزایای موافقت‌نامه محروم شده‌اند (Yukos Interim awards 2009: para 446). البته در موافقت‌نامه مورد اشاره هیچ ارجاعی

1. Denial of Benefits
2. Principle of Reciprocity

به معاهده منشور انرژی نشده و معاهده نیز به موافقت‌نامه اشاره نکرده است و به نظر می‌رسد این دو سند کاملاً مستقل از هم‌اند.

دیوان داوری بدو ابراز کرد بررسی بند ۱ ماده ۱۷ معاهده مربوط به رسیدگی ماهوی است. ولی با توجه به اینکه طرفین دعوا بررسی آن را به‌عنوان ایراد مربوط به قابلیت استماع دعوا مطالبه کرده‌اند دیوان نیز در مرحله مقدماتی به آن پرداخته است (Yukos Interim awards 2009: para 441). باید گفت هرچند بند ۱ ماده ۱۷ در فصل سوم معاهده است و ارتباطی به صلاحیت دیوان داوری، که براساس فصل پنجم معاهده تشکیل شده، ندارد، احراز شرایط مقرر در آن ماده توسط دیوان داوری باعث می‌شد خواسته خواهان‌ها، مبنی بر مطالبه خسارات وارده به آن‌ها، به دلیل نقض مواد ۱۰ و ۱۳ معاهده منشور انرژی، توسط دولت روسیه قابل استماع نباشد. بنابراین، به‌رغم نظر دیوان داوری، طرح ایراد موسوم به انکار بهره‌مندی مزایا در مرحله مقدماتی نه از جهت احراز صلاحیت دیوان، بلکه، به جهت قابلیت استماع دعوا در مرحله ماهوی صحیح به نظر می‌رسد. دیوان داوری سپس اعلام کرد بند ۱ ماده ۱۷ معاهده این حق را صرفاً به‌صورت بالقوه برای دولت میزبان قائل شده است که از تسری حمایت‌های مقرر در فصل سوم معاهده به سرمایه‌گذار واجد شرایط این ماده امتناع کند. دارا بودن حق متمایز است از اجرای آن و روسیه باید به طریقی، مثلاً اعلان در روزنامه رسمی کشور، اراده خود را دایر بر استفاده از حق اعلام می‌کرد. علاوه بر این‌ها، دیوان روسیه را دولت ثالث قلمداد نکرد تا مالکیت و کنترل اتباع آن‌ها بر خواهان‌ها مشمول بند ۱ ماده ۱۷ شود (Yukos Interim awards 2009: para 458). دیوان تصمیم خود درخصوص ایراد مضایقه مزایا را بر پایه تصمیم دیوان داوری ایکسید در پرونده پلاما استوار کرده است.

ماده ۱۱۱۳ موافقت‌نامه تجارت آزاد امریکای شمالی (نفتا) شامل مقرراتی نظیر بند ۱ ماده ۱۷ معاهده منشور انرژی است. تفاوتی که این ماده با ماده ۱۷ معاهده دارد این است که دولت میزبان در صورتی می‌تواند از اعطای مزایا به سرمایه‌گذار امتناع کند که قبلاً با طرف دیگر عضو موافقت‌نامه، که سرمایه‌گذار در آن کشور تشکیل و ثبت شده است، مشورت کرده و او را از تصمیم خود مطلع کرده باشد. با توجه به نبود چنین محدودیتی در مفاد ماده ۱۷ معاهده، باید به قصد امضاکنندگان معاهده احترام گذاشت و ماده ۱۷ را، مطابق ماده ۳۱ کنوانسیون وین، در معنای

ساده و واضح خود تفسیر کرد. در این صورت اعمال چنین محدودیتی و لزوم اعلام استفاده از حق از فحوی ماده ۱۷ معاهده قابل استنباط به نظر نمی‌رسد. ادعای روسیه در خصوص اخذ تعهدنامه از دولت میزبان نیز منطقی نیست. زیرا، علاوه بر عدم دلالت بند ۱ ماده ۱۷ به الزام سرمایه‌گذار مبنی بر اخذ تعهد از دولت میزبان، چنین عملی از اعتبار و الزام آور بودن معاهده می‌کاهد و آن را به سندی، صرفاً جهت دعوت به سرمایه‌گذاری، تبدیل می‌کند (Pinsole 2007: para 4 & 6). در خصوص اینکه آیا در لسان بند ۱ ماده ۱۷ معاهده روسیه دولت ثالث محسوب می‌شود یا خیر، باید متذکر شد عنوان دولت ثالث در معاهده تعریف نشده؛ اما در مواد مختلف، از جمله بند ۱ ماده ۱۷ و قسمت اول بند ۱۰ ماده ۷ معاهده (ترانزیت)، تمایز عبارات دولت ثالث و طرف متعاقد از یکدیگر قابل مشاهده است. علاوه بر این، جزء (ح) بند ۱ ماده ۲ کنوانسیون وین نیز بیان می‌دارد دولت ثالث عبارت است از دولتی که طرف متعاقد نباشد. هرچند روسیه طرف معاهده نبوده است، در مقام امضاکننده معاهده، که براساس ماده ۴۵ آن را به صورت موقت اجرا می‌کرده، متمایز از دولت ثالث است. در هر حال صرف نظر از اینکه خواهان‌ها اذعان کردند در کشورهای محل تشکیل خود فعالیت تجاری قابل توجهی نداشته‌اند (Yukos Interim awards 2009: para 461)، مطابق اظهارات دولت روسیه، اتباع آن کشور کنترل و مالکیت سهام خواهان‌ها را در اختیار داشتند که متفاوت از دولت ثالث است. لذا، یکی از شرایط مصرح در بند ۱ ماده ۱۷ جهت امتناع روسیه از اعطای مزایا به خواهان‌ها (شرط مربوط به کنترل یا مالکیت شخص حقوقی توسط اتباع دولت ثالث) مهیا نیست.

دستان آلوده

دیگر ایراد مطروحه به قابلیت استماع ادعاهای سهامداران یوکاس درباره این بود که خواهان‌ها دستان آلوده دارند و باید از حمایت معاهده محروم شوند. در نتیجه، دیوان صلاحیت رسیدگی به ادعاهای آن‌ها را ندارد و دعوی آن‌ها قابل استماع در دیوان داوری نیست (Yukos Final awards 2014: para 1273 & 1313). دکترین پاک‌دستی^۱ ریشه در حقوق عرفی دارد. مطابق این دکترین هر شخصی که خواستار طرح دعوی خود در مراجع انصاف است باید پاک‌دست باشد (Llamzon 2015: 317). این

دکترین از اصل حسن نیت نشئت می‌گیرد و از آن به مثابه ابزاری جهت اجرای این اصل استفاده می‌شود؛ با این توضیح که مطابق ساختار حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری حقوق و تعهدات بین سرمایه‌گذاران، در مقام ذی‌نفعان حقوق، و دولت‌ها، در مقام تضمین‌کنندگان حقوق، به گونه‌ای تقسیم شده است که عموماً سرمایه‌گذاران در مقام خواهان و دولت‌ها در مقام خواننده ایفای نقش می‌کنند. اصل حسن نیت می‌تواند در شکل‌های مختلف خود مورد استفاده آن‌ها قرار گیرد؛ مانند طرح ادعای نقض رفتار عادلانه و منصفانه توسط دولت میزبان از سوی سرمایه‌گذار و طرح ادعای داشتن دستان آلوده و محرومیت سرمایه‌گذار از حمایت معاهده سرمایه‌گذاری از سوی دولت میزبان به‌عنوان دفاع (Dajic 2012: 211). دکترین پاک‌دستی عمدتاً در چارچوب تعریف سرمایه‌گذاری و نتیجتاً در عرصه احراز صلاحیت دیوان داوری بازتاب می‌یابد (سیفی و جوادی ۱۳۹۵: ۱۱۶). در عرصه سرمایه‌گذاری خارجی این دکترین بدین معناست که اگر مشخص شود اقدامات خلاف اصل حسن نیت از ناحیه سرمایه‌گذار صورت گرفته، مانند کلاهبرداری یا پرداخت رشوه یا رفتار متقلبانه، چنین شخصی دستان آلوده دارد. بنابراین، دعوایش قابل استماع نیست و خساراتی که متحمل شده است غیرقابل جبران می‌ماند. این دکترین در بسیاری از آرای داوری مربوط به سرمایه‌گذاری و نظرات حقوقدانان بررسی و ارزیابی شده و دیدگاه‌های مختلفی درخصوص آن ارائه شده است. از این دکترین با نام شرط «انجام سرمایه‌گذاری مطابق قانون» نیز یاد می‌شود (Katdunski 2014: 147). گفتنی است هیچ‌یک از دیوان‌های داوری به‌صراحت به این مجادله که آیا اصل داشتن دستان پاک در زمره اصول کلی حقوقی است یا خیر نپرداخته‌اند. در پرونده پلاما، دیوان داوری دعوای خواهان را در مرحله رسیدگی ماهوی به سه دلیل رد کرد؛ دیوان نخست اعلام کرد که سرمایه‌گذار موضوع دعوا قانون بلغارستان و اصول قابل اعمال حقوق بین‌الملل را نقض کرده است، سپس اعلام کرد که رفتار خواهان مغایر اصل حسن نیت بوده، و در نهایت حکم داد که اعمال حمایت‌های معاهده مغایر با لزوم بهره‌مندی از دستان پاک بوده است. در پرونده فونیکس دیوان داوری رأی داد شرط لزوم مطابقت سرمایه‌گذاری با قوانین و مقررات دولت میزبان تلویحاً در همه سرمایه‌گذاری‌ها پذیرفته شده است، اگرچه به‌صراحت در معاهده سرمایه‌گذاری دوجانبه ذی‌ربط پیش‌بینی نشده باشد. در پرونده سور نیز دیوان داوری اعلام کرد هدف همه داوری‌های سرمایه‌گذاری حمایت از سرمایه‌گذاری‌های با

حسن نیت و قانونی است و تصریح به این موضوع در معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری بین فرانسه و آرژانتین، که سرمایه‌گذار باید مطابق قوانین و مقررات داخلی دولت میزبان اقدام کند، عامل تعیین‌کننده‌ای نیست. شرط عدم نقض قوانین و مقررات شرطی تلویحی است که در همه معاهدات سرمایه‌گذاری وجود دارد. زیرا درک ناپذیر است که دولتی، با وجود رفتار غیرقانونی و خلاف مقررات یک سرمایه‌گذار، به او اجازه استفاده از مکانیسم داوری سرمایه‌گذاری اعطا کند (Yukos Final awards 2014: para 1314 & 1351).

دیوان یوکاس با استناد به پرونده پلاما اعلام کرد مقررات ماهوی معاهده منشور انرژی در خصوص سرمایه‌گذاری‌هایی که به صورت غیرقانونی صورت گرفته است قابل اعمال نیستند؛ هرچند چنین تصریحی در معاهده یادشده مقرر نشده باشد. هدف و روح معاهده منشور انرژی تشویق سرمایه‌گذارهای قانونی و با حسن نیت است و سرمایه‌گذاری‌هایی که غیرقانونی باشند از حمایت‌های معاهده بهره‌ای نخواهند برد. لیکن، از منظر دیوان یوکاس صرفاً رفتارهای غیرقانونی یا داشتن سوءنیت در مرحله ایجاد سرمایه‌گذاری است که می‌تواند مانع استناد خواهان‌ها به معاهده و جلوگیری از طرح اختلاف در دیوان شود. مطابق نظر دیوان، سوءاستفاده از معاهده مالیاتی بین روسیه و قبرس، استفاده از مناطق معاف از مالیات یا برخوردار از مشوق‌های مالیاتی روسیه برای کاهش میزان مالیات پرداختی، و عدم اجرای قوانین مالیاتی جملگی اقداماتی هستند که در مرحله اجرای سرمایه‌گذاری توسط خواهان‌ها انجام شده‌اند و تأثیری در دسترسی سهامداران یوکاس به حمایت‌های معاهده ندارند. در واقع، دیوان بر این باور بود که چنانچه سهامداران در جریان سرمایه‌گذاری قوانین و مقررات روسیه را نقض کرده باشند، منع آن‌ها از توسل به حمایت‌های معاهده منشور انرژی و جلوگیری از طرح اختلاف توسط آن‌ها در دیوان داوری باعث لطمه به موضوع و هدف این معاهده خواهد شد (Yukos Final awards 2014: para 1370). نظر دیوان در این خصوص قابل تأمل است. دیوان تصریح می‌کند هدف معاهدات سرمایه‌گذاری تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری‌های قانونی است. چنانچه سرمایه‌گذار در مرحله ایجاد سرمایه‌گذاری خود قوانین و مقررات دولت میزبان را به صورت کامل رعایت کند، اما، پس از آن و در جریان توسعه و بهره‌برداری از سرمایه‌گذاری ایجادشده آن قوانین و مقررات را نقض کند و دولت

سرمایه‌پذیر، با اعمال محدودیت‌ها و مجازات‌هایی که در قوانین داخلی خود دارد، در برابر رفتار غیرقانونی سرمایه‌گذار واکنش نشان دهد، اصولاً، حمایت معاهده سرمایه‌گذاری نباید شامل چنین سرمایه‌گذاری‌ای بشود (Nappert 2105: 14). با توجه به اوضاع و احوال و شرایط هر سرمایه‌گذاری، مرجع داوری ممکن است سرمایه‌گذار را به دلیل نقض قوانین و مقررات دولت میزبان، چه در مرحله ایجاد سرمایه‌گذاری چه بعد از بهره‌برداری، از حمایت معاهده سرمایه‌گذاری محروم کند یا دولت میزبان را به دلیل انجام دادن عمل متقابل مسئول نقض مقررات آن معاهده سرمایه‌گذاری نداند.

گفتنی است دیوان یوکاس رأی داد که دکتترین دستان پاک یکی از اصول کلی حقوق بین‌الملل نیست. زیرا اصول کلی حقوقی نیازمند سطح معینی از شناسایی و اجماع توسط جامعه بین‌المللی است (Yukos Final awards 2014: para 1359). به این قسمت از نظر دیوان انتقاد وارد است. چون دیوان توضیحی راجع به معیار تعیین آن سطح از شناسایی و اجماع مورد نیاز ارائه نداده است. مضاف بر این، دیوان توضیح نداده چه شخص یا اشخاصی باید اصول کلی را مشخص کنند و آیا این شناسایی باید توسط ملل متمدن، چنان که در ماده ۳۸ اساس‌نامه دیوان بین‌المللی دادگستری مقرر شده است، صورت پذیرد. به علاوه، ابهامات زمانی بیشتر نمود می‌یابند که دیوان از قید اجماع استفاده می‌کند و مشخص نیست اجماع چگونه احراز می‌شود و آیا اجماع قیدی اضافه بر شناسایی است که توسط ملل متمدن صورت می‌پذیرد. به نظر می‌رسد عدم احتساب دکتترین دستان آلوده جزء اصول کلی حقوقی نافی کارکردهای آن نیست. زیرا اصول شناخته‌شده دیگری، مانند اصل حسن نیت، به منزله منشأ دکتترین پاک‌دستی، و اصل لزوم مطابقت اقدامات با قوانین و مقررات کارکردی مشابه دستان آلوده دارند. نکته اصلی که رویکرد دیوان داوری را توجیه می‌کند این است که هرچند یوکاس در مواردی از قوانین و مقررات دولت میزبان سوءاستفاده کرده یا آن‌ها را نادیده گرفته است، باید بین رفتار خلاف قانون آن شرکت و زیرمجموعه‌هایش و رفتار متقابل دولت روسیه تناسب وجود می‌داشت. دولت روسیه نباید، به بهانه عملکرد خلاف قانون یوکاس و شرکت‌های زیرمجموعه‌اش، همه اموال و دارایی‌های شرکت مزبور را مصادره می‌کرد و موجب ورشکستگی آن می‌شد. دیوان، نظر به این مراتب، ضمن عدم‌پذیرش ایراد دستان آلوده،

اقدامات خلاف قانون یوکاس و سهامداران آن را مورد ملاحظه قرار داد و در مرحله محاسبه خسارت وارده به خواهان‌ها میزان آن را ۲۵ درصد کاهش داد (Yukos Final awards 2014: para 1637).

اقدامات مالیاتی

مطابق بند ۱ ماده ۲۱ معاهده منشور انرژی «به استثنای مواردی که به‌نحو دیگری در این ماده مقرر شده است، هیچ چیز در این معاهده حقوق یا تعهدی درخصوص اقدام برای وضع مالیات برای طرف‌های متعاقد ایجاد نخواهد کرد.» از سوی دیگر طبق بند ۵ همان ماده «ماده ۱۳ [ارجاع به مصادره] درباره مالیات‌ها قابل اعمال خواهد بود.» بنابراین، با توجه به بندهای ۱ و ۵ ماده ۲۱، در صورت بروز اختلاف میان سرمایه‌گذار و کشور میزبان عضو معاهده، درخصوص ماهیت مالیات وضع شده علیه سرمایه‌گذار و اینکه وضع مالیات با هدف سلب مالکیت و مصادره اموال سرمایه‌گذار انجام شده است یا خیر، اختلاف قابل طرح در دیوان داوری است. در این ارتباط مثلاً موافقت‌نامه تجارت آزاد امریکای شمالی (نفتا)، برخلاف معاهده منشور انرژی، ارجاع مستقیم اختلاف بین سرمایه‌گذار و دولت میزبان را به داوری محدود کرده و بند ۶ ماده ۲۱۰۳ آن مقرر می‌دارد در صورتی که سرمایه‌گذار ادعا کند برخی از اقدامات معین مالیاتی کشور میزبان با هدف مصادره انجام شده است، باید قبل از ارجاع اختلاف به داوری، موضوع را نزد مراجع ذیصلاح مالیاتی کشور میزبان و کشور متبوع خود برای بررسی مشترک ظرف مهلت معین مطرح کند. چنانچه مراجع مالیاتی دو طرف از بررسی موضوع امتناع کنند یا در صورتی که بر ماهیت و هدف اقدامات مالیاتی توافقی صورت نپذیرد، سرمایه‌گذار حق شروع جریان داوری را خواهد داشت. بنابراین، چنانچه مراجع مالیاتی هم‌عقیده باشند که اقدامات مالیاتی صورت‌گرفته توسط دولت میزبان ماهیت مصادره ندارد، تصمیم آن‌ها قطعی و لازم‌الاجراست و سرمایه‌گذار نمی‌تواند موضوع را به داوری ارجاع دهد.

در دعوای یوکاس، روسیه اظهار داشت بند ۱ ماده ۲۱ معاهده منشور انرژی اقدامات مالیاتی انجام‌شده توسط دولت متعاقد را از شمول معاهده مستثنا و حاکمیت معاهده را به‌موجب بند ۵ ماده ۲۱ معاهده صرفاً به مالیات منجر به سلب مالکیت محدود کرده است. بنابراین، دیوان داوری

صلاحیت رسیدگی به اقدامات مالیاتی انجام شده توسط روسیه، غیر از آنچه به وصول مالیات منجر به سلب مالکیت مربوط می شود، را ندارد. دیوان در تصمیم خود اعلام کرد با فرض اینکه استثنای مندرج در بند ۱ ماده ۲۱ قابل اعمال باشد، بازگشت به صلاحیت مندرج در بند ۵ ماده ۲۱ درخصوص وضع مالیات منتج به مصادره بیهوده خواهد بود. بدین توضیح که هر گونه اقدام مالیاتی که در چارچوب بند ۱ ماده ۲۱ قرار گیرد هم‌زمان بند ۵ نیز آن را پوشش می دهد و لازم است شرایط مندرج در ماده ۱۰ و ۱۳ معاهده منشور انرژی درباره سلب مالکیت از آن بررسی شود. اقداماتی که دولت روسیه علیه یوکاس انجام داده بود، نظیر توقیف اموال یوکاس و اعلام ورشکستگی و مزایده اموال آن شرکت، همگی نشان می دهد هدف خوانده صرفاً دریافت مالیات نبوده است. زیرا در غیر این صورت می توانست به روش های معقول و منطقی دیگری و به صورت مسالمت آمیز مالیات اضافی را از یوکاس دریافت و پیشنهادهای احتمالی آن شرکت را در زمینه روش تصفیه حساب مالیات بررسی کند. بنابراین دیوان ناگزیر به بررسی اقدامات روسیه در چارچوب مواد ۱۰ و ۱۳ معاهده منشور انرژی بوده است.

دیوان درخصوص ارجاع اختلاف به مراجع صلاحیت دار مالیاتی چنین نظر داد که هرچند تأیید می کند مکانیسم ارجاع پیش بینی شده در جزء دوم ماده ۲۱ معاهده منشور انرژی برای کمک به دیوان داوری جهت تشخیص ماهیت اقدامات مالیاتی طراحی شده است، پرونده حاضر با حجم اطلاعات و لوایحی که طرفین به دیوان ارائه داده اند به گونه ای نیست که این ارجاع بتواند کمکی به دیوان کند و نهایتاً تصمیم دیوان مبتنی بر اسناد و مدارکی است که طرفین ارائه کرده اند (Yukos Final awards 2014: para 1414 & 1426). مستثنا کردن اقدامات مالیاتی از قلمرو توافقات بین المللی، از جمله معاهده منشور انرژی، کارکردهایی دارد که با حاکمیت و استقلال طرف های عضو مرتبط است و رضایت این طرف ها به گسترش شمول قلمرو معاهده در زمینه اقدامات مالیاتی به سلب مالکیت، به دلیل پیش بینی محدودیت هایی، از جمله مکانیسم ارجاع ذکر شده در بند ۵ ماده ۲۱، منجر می شود. هرچند دیوان مکانیسم ارجاع را نادیده گرفته، در صورت ارجاع موضوع به مرجع مالیاتی نیز دیوان طبق جزء سوم بند ۵ ماده ۲۱ معاهده منشور انرژی در استفاده از

نتیجه‌گیری آن مرجع در این خصوص که آیا اقدامات مالیاتی مورد اختلاف به منزله مصادره است یا نه مخیر بوده است و این عدم‌ارجاع خللی به تصمیم دیوان وارد نمی‌کند.

نتیجه

دیوان داوری یوکاس، همانند سایر مراجع حل اختلاف، در جریان رسیدگی به صلاحیت خود، در برخی از موارد مقررات معاهده منشور انرژی را در جهت توسعه دامنه صلاحیت خود تفسیر کرده است. دیوان در بخش مربوط به صلاحیت زمانی خود با استناد به اهداف و روح حاکم بر معاهده منشور انرژی، مبنی بر حمایت از سرمایه‌گذار و سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده در کشورهای عضو معاهده، ابهام موجود در شرط محدودکننده مندرج در بند ۱ ماده ۴۵، درباره عدم‌اجرای موقت معاهده به دلیل مغایرت با قوانین و مقررات کشور دولت میزبان، را در جهت احراز صلاحیت زمانی خود تعبیر و تأویل کرده است. همچنین دیوان اجرای برخی از مقررات معاهده منشور انرژی، نظیر مکانیسم ارجاع پیش‌بینی‌شده در ماده ۲۱ معاهده، را نادیده گرفته است. دیوان داوری، با این استدلال که اصول کلی حقوقی نیازمند سطح معینی از شناسایی و اجماع هستند، اصل دستان پاک را جزء اصول کلی حقوقی ندانسته است؛ ولی توضیح نمی‌دهد این اجماع در چه سطحی مورد نیاز است و چه کسانی باید اصول کلی حقوقی را شناسایی کنند. مضافاً اینکه مشخص نیست اجماعی که دیوان از آن سخن می‌گوید باید توسط چه کسانی اعلام شود و چگونه می‌توان آن را احراز کرد.

نظر دیوان در خصوص تعریف سرمایه‌گذار و سرمایه‌گذاری، هرچند موجب توسعه پدیده خرید معاهده می‌شود، هماهنگ با تصمیم دیوان‌های داوری پیش از خود است و همگی بر این باورند که اجازه تحمیل اراده خود بر اراده کشورهای تنظیم‌کننده معاهدات را ندارند.

به نظر می‌رسد رأی صادره در خصوص ایرادات دولت روسیه درباره صلاحیت دیوان به‌طور کلی بر مقررات معاهده و اصول کلی حقوقی صادرشده منطبق است. دادگاه ناحیه‌ای لاهه نیز، به جز رد تصمیم دیوان درباره اجرای موقت، ایراد دیگری به سایر قسمت‌های رأی دیوان وارد نکرد و صرفاً تفسیری متفاوت از مفاد ماده ۴۵ ارائه داد.

با توجه به اینکه معاهده منشور انرژی بعد از نفتا دومین پیمان همه‌جانبه در حوزه سرمایه‌گذاری بین‌المللی و با بیشترین دعاوی مطروحه بین سرمایه‌گذاران و دولت‌های میزبان است، تفاسیر ارائه‌شده از سوی دیوان یوکاس درباره مسائل مطروحه، از جمله نحوه اعمال نهاد اجرای موقت و تعریف سرمایه‌گذار و سرمایه‌گذاری و دکتین دستان آلوده، اهمیت ویژه‌ای برای کشورهای عضو معاهده و سرمایه‌گذاران خواهد داشت و مورد استناد سایر دیوان‌های داوری قرار خواهد گرفت. رأی صادره توسط دیوان داوری از یک سو و نقض آن توسط دادگاه مقرر داوری از سوی دیگر سایر نقش‌آفرینان دعوی یوکاس، نظیر دیگر سهامداران یوکاس، که شامل بیش از پنجاه‌هزار سهامدار خردند، و همچنین سایر سرمایه‌گذارانی که تبعه کشورهای عضو معاهده هستند را با این ابهام مواجه می‌کند که آیا این امکان را دارند که اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری خود با روسیه را در مراجع داوری مصرح در ماده ۲۶ معاهده منشور انرژی مطرح کنند؟ با توجه به ابطال رأی در دادگاه لاهه و تجدیدنظرخواهی سهامداران یوکاس از رأی صادره توسط دادگاه در دادگاه تجدیدنظر کشور هلند و ورود پرونده به مرحله جدیدی از رسیدگی، پاسخ به سؤال فوق پس از اتخاذ تصمیم دادگاه تجدیدنظر لاهه در خصوص اجرای موقت معاهده توسط دولت روسیه و سایر ایرادات صلاحیتی مورد رسیدگی در رأی دیوان مشخص خواهد شد. نکته کلیدی در رسیدگی دادگاه تجدیدنظر شیوه تفسیر شرط محدودیت مندرج در بند ۱ ماده ۴۵ معاهده منشور انرژی توسط آن مرجع است. پذیرش رویکرد همه یا هیچ، که توسط دیوان داوری نیز برگزیده شد، مهر تأییدی بر الزام دولت روسیه به اجرای همه مقررات معاهده منشور انرژی، از جمله ماده ۲۶ معاهده، خواهد بود. زیرا طرفین اختلاف اذعان کردند اجرای موقت معاهده فی‌نفسه مغایر قوانین و مقررات روسیه نیست (Yukos Interim awards 2009: para 330). در صورت پذیرش رویکرد اجرای مورد به مورد مفاد معاهده، تا آنجا که مغایر قوانین و مقررات دولت میزبان نباشد، برداشت دادگاه تجدیدنظر از قوانین و مقررات روسیه تعیین‌کننده است.

منابع

۱. سیفی، سید جمال و کمال جوادی (۱۳۹۵). «پاک‌دستی خواهان در داوری‌های سرمایه‌گذاری بین‌المللی»، *سالنامه ایرانی داوری*، س ۱، صص ۸۷ - ۱۱۶.
2. Bamberger, C., Linehan, J., & Waelde, T., (2000). *The Energy Charter Treaty in 2000: In a New Phase*, Chapter from *Energy Law in Europe*, edited by Martha M Roggenkamp, Oxford University Press, pp. 1-30, available at: <http://www.dundee.ac.uk/cepmlp>.
3. Dajic, S., (2012), "Mapping the Good Faith Principle in International Investment Arbitration: Assessment of Its Substantive and Procedural value, available on "http://heinonline.org/hol-cgi-bin/get_pdf.
4. Dolzer, R. (2015). *Expert Opinion in Yukos case in The Hague District Court*, available on www.italaw.com.
5. Katdunski, M. (2014). *Some Reflections on Arbitration in the Yukos v. The Russian Federation Case*, 14 *Comparative Law Review*, pp. 141-167.
6. Llamzon, A. (2015). *Yukos Universal Limited (Isle of Man) v The Russian Federation The State of the 'Unclean Hands' Doctrine in International Investment Law: Yukos as both Omega and Alpha*, *ICSID Review*, Vol. 30, No. 2, pp. 315-325.
7. Mistelis, A. & Baltag, C. (2009). *Denial of Benefits and Article 17 of the Energy Charter Treaty*, 113 *Penn State Law Review* 1301, 1321.
8. Nappert, S. (2015). *Mammoth Arbitrations: the Yukos Awards of 18 July 2014*, *Transnational Dispute Management*, Vol. 12, issue 5, pp. 1-36.
9. Niebruegge, M. (2007). *Provisional Application of the Energy Charter Treaty: The Yukos Arbitration and the Future Place of Provisional Application in International Law*, *Chicago Journal of International Law*, Vol 8, pp. 355-376.
10. Pinsole, P. (2007). *The Dispute Resolution Provisions of Energy Charter Treaty*, *International Law Review*, Vol. 3.
11. Kardassopoulos, V. Georgia, ICSID Case, Decision on Jurisdiction, July 6, 2007, Available on <https://www.italaw.com>.
12. Pantehnik, S. A. Contractors & Engineers V. Republic of Albania, ICSID Case, Award 30 July 2009, Available on <https://www.italaw.com>.
13. Russian Federation V. Yukos Universal Ltd., Russian Federation V. Hulley Enterprises Ltd., Russian Federation v. Veteran Petroleum Limited (20 april 2016), available at <http://ita.law.uvic.ca/documents/> [In the text referred as "The Hague Court Award"].
14. Yukos Universal Ltd. V. Russian Federation, Interim Award on Jurisdiction and Admissibility, Hulley Enterprises Ltd. v. Russian Federation, Interim Award on Jurisdiction and Admissibility, Veteran Petroleum Trust v. Russian Federation, Interim Award on Jurisdiction and Admissibility, (Nov. 30, 2009), available at <http://ita.law.uvic.ca/documents/> [In the text referred as "Yukos Interim Awards"]
15. Yukos Universal Limited V. The Russian Federation, Hulley Enterprises Limited V The Russian Federation, Veteran Petroleum Limited V The Russian Federation, final award (18 July 2014); Available on <http://ita.law.uvic.ca/documents/> [In the text referred as "Yukos Final Awards"].